



بله، خیلی شعرهای فوق العاده ای است، کتاب هم کتاب بسیار خوبی است. آنچه من توصیه میکنم به همه - هم به خود شماها که این صحنه ها را با جسم و روح خودتان آزمودید و لحظه لحظه ی این ساعات دشوار را درک کردید و حس کردید، و هم به دیگران - [این است که] نگذارید [اینها] به دست فراموشی سپرده بشود. از اولی که این دفاع مقدس شروع شد و آن حماسه ی عظیم با نفس گرم امام بزرگوار خلق شد و این جوانها سرازیر شدند رفتند، همه ی دستهای شیطانی در صدد بودند که نگذارند زیبایی ها و شکوه این حادثه منعکس بشود، همه؛ سعی شان این بود که نگذارند آن عظمتی که در این کار بود، منعکس بشود. بعلاوه بر اینکه خیلی از عظمتها را انسانها تا نزدیک نباشند، تا لمس نکنند، یا لاقلاً با یک شیوه ی هنری از آن مطلع نشوند، نمیتوانند هم آن قضایا را بفهمند. بعدها هم همین جور؛ در طول این سالهای بعد از جنگ - این بیست و پنج سالی که از خاتمه ی جنگ تا امروز گذشته - خیلی ها تلاش کردند که نگذارند این حماسه ها زنده بشود. شماها عکس این عمل کنید؛ نقطه ی مقابل این عمل کنید. شما هم که خودتان آنجاها بودید، بگویید؛ بگذارید این نوشته ها همدیگر را تقویت کند. من در کتاب آقای نورالدین، اسم این آقای مهدی قلی رضایی را دیدم؛ ایشان در همین قضیه ی غواصها، یک جا میگوید که #171؛ مهدی قلی رضایی که از نیروهای باسابقه ی جبهه است؛ اینها همدیگر را کاملاً تأیید میکنند؛ یعنی ابعاد گوناگون قضایا را روشن میکند. [باید] هر چه بیشتر گفته بشود، هر چه بیشتر نوشته بشود، هر چه صادقانه تر منعکس بشود آن جزئیات؛ بدون کم و زیاد، بدون مبالغه؛ یعنی آن حوادث به مبالغه احتیاج ندارد؛ اینقدر عظمت دارد که خود حادثه را که نقل کنند، شکوه خودش و عظمتی را که در دل خودش هست نشان میدهد. هیچ نیابستی مبالغه به کار برد. نباید هم کم گذاشت؛ باید همه ی جزئیات مهم و تأثیرگذار را بیان کرد که همه اش هم موثر است. همچنین به این آقایان محترم حوزه ی هنری و بقیه ی دستگاه های نشر هم توصیه میکنم: این نوشتجات را قدر بدانید. این پدیده ها و این فرآورده های تاریخ انقلاب را، تاریخ دفاع مقدس را قدر بدانید؛ اینها را باید خیلی قدر دانست. بین مردم هم منتشر بشود. این جوانهای ما، نه جنگ را دیده اند، نه روایت درست و حسابی از جنگ شنیده اند؛ روایت درست، اینها است؛ این کتابها است؛ هر چه میتوانید کاری کنید که در دسترس جوانها قرار بگیرد [تا] جنگ را بشناسند، بفهمند چه بود، چه اتفاقی افتاد، و جمهوری اسلامی چیست؛ ملت ایران چه کسانی هستند. این طاقت عظیمی که در ملت ایران وجود دارد برای مواجهه ی با این امتحانهای بزرگ را دست کم نگیرند. یکی از چیزهایی که ملتها را همیشه زبون میکند و تحت سلطه ی دیگران قرار میدهد، این است که نقاط قوت ملتها از چشم خودشان پوشیده بماند؛ نفهمند چه ارزشهایی، چه توانایی هایی، چه نقاط قوتی در آنها وجود دارد؛ این را نفهمند. باید ببینند جوانها، بفهمند حادثه ی جنگ چه بود و چگونه جوانهای ما بدون سازوبرگ حسابی، بدون توانایی ها و پیش آمادگی هایی که معمولاً برای این جور کارها لازم است، رفتند و چه کردند. ترجمه هم باید بشود. البته در ترجمه ی اینها، به گمان من باید مترجم کسی باشد که زبانی که به آن ترجمه میکند، زبان مادریش باشد؛ بدون این نمیشود؛ هم نویسنده باشد، هم زبان مادریش باشد. حالا [در] بعضی از زبانها، پیدا کردن این جور آدمی ممکن است آسان نباشد، اما [در] بعضی از زبانها نه، آسان است؛ میتوانید کسانی را پیدا کنید که مثلاً زبان مادریشان یا زبانی که در دوره ی کودکی با آن پرورش پیدا کردند ولو زبان مادریشان هم نیست؛ مثلاً انگلیسی، من باب مثال. اگر اهل ذوق باشند، اهل نویسندگی باشند، قلم به دست بگیرند، این کتاب را ترجمه کنند، هر چه صرف کنید، می ارزند. البته به شرطی که بتوانید منتشر کنید. دستگاه های استکبار یکی از کارهایشان این است - برخلاف ماها که گاهی خیلی روشنفکر میشویم و میگوییم که همه چیز دست همه کس برسد، آنها نه، آنها بسیار متعصب و در این زمینه سختگیرند - به آسانی هم نمیگذارند آن چیزی که شما ترجمه کردید، به دست مخاطبانش برسد؛ ولی خب باید راه پیدا کنید، بتوانید بکنید بنابراین ترجمه خیلی کار مهمی است.

به هرحال ان شاءالله که همه تان موفق و مؤید باشید. امروز خوشحال شدیم شماها را ملاقات کردیم؛ همچنین آقای مهدی قلی رضایی را، همچنین یک بار دیگر آقای نورالدین را. ان شاءالله که همه تان موفق باشید، مؤید باشید، ان شاءالله همیشه سربازان ثابت قدم انقلاب باشید همه تان. همچنین خانم سپهری که واقعاً زحمت کشیدند، کار ایشان، خیلی با ارزش است، خیلی؛ خداوند ان شاءالله به ایشان توفیق بدهد. و بدانید خانم سپهری که این کاری که شما کردید - این دو کتابی که حالا بنده دیدم درآوردید - تحقیقاً مصداق جهاد فی سبیل الله است، برای خاطر اینکه دشمنان این انقلاب و دشمنان سبیل الله سعی دارند که نگذارند این راه روشن مقابل چشمها قرار بگیرد؛ شما درست عکس آنها، نقطه ی مقابل آنها عمل کردید؛ بنابراین، این مجاهدت در راه خدا است، ان شاءالله که خدا از شما قبول کند و ان شاءالله خداوند نیتهای همه ی ما را خالص کند، کار ما را، فکر ما را، حرف ما را، عمل ما را برای خودش و در راه خودش قرار بدهد.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته